فرشاد مومنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مناسبات پنهان کارانه مشکل اقتصاد امروز ماست

باید در نظام قاعده‌مندی تصمیم‌گیری تجدیدنظر کنیم

غیرمولدها مسائل حیاتی کشور را به حاشیه رانده‌اند

برخی قبح تصمیم‌های وقیح اقتصادی را از بین برده‌اند

نباید فریب نوسازی ظاهری را بخوریم

با مناسبات پنهان کارانه غیرمتعارف در اقتصاد مواجه هستیم

باید تصمیمات شجاعانه ابتدای انقلاب در اقتصاد را تکرار کنیم

تفرقه‌اندازی شگرد اصلی رانت‌خواران است

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

آرمان ملی - احسان انصاری: با توجه به شرایط اقتصادی کشور و تحولات بین‌المللی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۱ چه چشم‌اندازی مواجه خواهد بود؟ این سوالی است که «آرمان ملی» در گفت‌وگو با دکتر فرشاد مومنی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. مومنی معتقد است: «با کمال تاسف هرقدر که به امروز نزدیک‌تر می‌شویم قباحت آنکای مطلق به خام فروشی دائما بیشتر و بیشتر ریخته می‌شود. از طرفی چون یک گروه‌های ذی‌نفعی هم در این زمینه شکل گرفته، برای اینکه قباحت این مساله در ذهن نظام سیاستگذاری کشور عذاب وجدان ایجاد نکند به دستکاری بخشی از واقعیت‌های غیرمتعارف روی آوردند.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

یادداشت

ترکیه و تلاش برای ابرقدرتی در منطقه

فریدون مجلسی
تحلیلگر مسائل بین‌الملل

این روزها بسیاری از کشورها در رقابت برای ابرقدرتی در سطح جهانی یا منطقه‌ای هستند. برای این کار بهانه‌ها لازم را هم جور یا در ناخودآگاه خود دلایلی می‌تراشند. اکنون دو ماه می‌شود که جنگی میان روسیه و اوکراین در جریان است. اوکراین برای روسیه حکم کیسه بوکس را دارد و خودش نیز دستکم در خطوط جبهه آسیب می‌بیند، اما اقتصادش ویران می‌شود. اروپا و آمریکا کناری ایستاده‌اند و با تدارک امکانات مقاومت، به ویران شدن و ویران کردن هرچه بیشتر آنان کمک می‌کنند. روسیه که از درماندگی فروپاشی شوروی به یاد خاسته و به اقتصاد و صنعت خود سر و سامانی داده و صدها میلیارد دلار پشتوانه ارزی ذخیره کرده، در فکر بازسازی ابرقدرتی است که از دست رفته است. اما قدرت در سایه ثروت پدید می‌آید و روسیه فاقل است از اینکه بار دگر همچون شوروی در دام جنگی فرسایشی و فقرآور گیر افتاده است. در آن سو عربستان که به ثروتی همراه با توسعه صنعتی دست یافته و با تزریق شبه مدرنیته به جامعه‌ای تازه برخاسته از سنت، در فکر ابرقدرت شدن بر پایه ثروت در منطقه است. ترکیه نیز پس از نار هم پاشیدن امپراتوری عثمانی، هرگز پندار بازگشت به آن دوران را فراموش نکرده است. جنگ ایران و عراقی فرصت بازرگانی سودآوری در اختیار ترکیه گذاشت که آن ثروت، توسعه صنعتی و اقتصادی کم نظیری را برای این کشور به همراه آورد. حزب اسلامی عدالت و توسعه با بهره‌مندی از احساسات و اعتقادات اسلامی میلیون‌ها روستایی که با توسعه صنعتی به خیل کارگران شهری پیوسته بودند، توانست از پشتیبانی بزرگی برخوردار شود و از شهرداری استانبول به نخست وزیری و ریاست جمهوری طولانی مدت در ترکیه و نیز انباشت ثروت ملی دست یابد. بقای در قدرت و آلودگی به ثروت، ترکان را نیز به فکر بازیابی سروری از دست رفته و انحصاری عثمانی کشانده است. احساس برادر بزرگ‌تر بودن در منطقه در امتداد کشورهای ترک زبان گوناگونی که در منطقه وجود دارند، از یکسو و تلاش به بازیافت استیلای سنتی در جهان عرب از سوی دیگر ترکیه را به دخالت و نمایش نظامی از لیبی تا قطر و از جمهوری آذربایجان تا عراق و سوریه کشانده، اما در عین حال هزینه‌های رؤیایی ابرقدرتی، همراه با سرکوب اقوام بومی داخلی، ترکیه را از ادامه روند توسعه اقتصادی بازداشت. اکنون جنگ قفز آفرین میان دو مشتری بزرگ کالاهای ترک، یعنی روسیه و اوکراین، ترکیه را به تکاپو برای صلح میان آنها واداشته است. ترکیه که سیاست‌های ایران را در منطقه و خصوصا در سوریه، لبنان و فلسطین مانعی بر سر راه توسعه بازرگانی خود می‌داند و آن را بر نمی‌تابد و از سویی به تجارت ایران و صادرات همه چیز و واردات گاز و خصوصا واردات پول ایرانیان که برخی ترجیح می‌دهند پول خودشان را در ترکیه خرج کنند و اپارتمان بخرند تا افتخار پاسپورت قرمز ترکیه و حساب و کارت بانکی بین‌المللی در جیب را هم داشته باشند، با ایران روابط غیرخصمانه کج دار و مریزی را دامه می‌دهد. اما دنیای غرب که در دو قرن اخیر با انحصار تولیدات صنعتی، خانگی و اتومبیل، بازارهای وارداتی جهان را در انحصار داشته است، اکنون با نگرانی از سر بر آوردن کشورهای ثروتمند جدیدی که توانمندی انسانی و ثروت لازم و منابع طبیعی بیشتر در اختیار دارند، که موجب می‌شود نه تنها دیگر منتکی به واردات انحصاری از غرب نباشند، بلکه بتوانند رقبای جدی بازرگانی آنان در کشورهای خودشان و در جهان بشوند، با خشنودی شاهد برخوردها و جنگ‌های قومی و مذهبی میان آنان هستند که ثروت آنان را می‌بلعد و آنان را به دام فقر و آرزوهای ابرقدرت شدنشان را نیز بر باد فنا می‌دهد.

فراسو

یک مقام آمریکایی:

مذاکرات به بن‌بست رسیده است

رسانه آمریکایی پولیتیکو نوشت: مذاکرات احیای برجام به بن‌بست خورده است. در ادامه این مطلب آمده است: با وجود داشتن یک توافق تقریبا ۳۷ صفحه‌ای تقریبا آماده اجرا، دیپلمات‌ها هنوز بر سر یک نقطه اختلاف نهایی بین ایالات متحده و ایران معطل هستند: حذف سپاه از لیست تروریسم وزارت خارجه. ایالات متحده، سپاه پاسداران را در سال ۲۰۱۹ در فهرست «سازمان تروریستی خارجی» خود قرار داد که بخشی از کمپین «فشار حداکثری» رئیس جمهور دونالد ترامپ پس از خروج از توافق هسته‌ای بود. اکنون این موضوع به مراحل نهایی مذاکرات طولانی مدت برای احیای توافق هسته‌ای در دوره ریاست جمهوری جو بایدن کشیده شده است. موضوع از چنان حساسیت سیاسی در واشنگتن و تهران برخوردار است که مصالحه غیرممکن بوده و اکنون بیش از پیش غیرواقعی به نظر می‌رسد. یک مقام آمریکایی به پولیتیکو گفت: موضع ایالات متحده این بوده است تا زمانی که ایران با برداشتن گام‌های خاصی برای کاهش نگرانی‌های امنیتی فراتر از برجام موافقت نکند، واشنگتن، سپاه را از لیست تروریسم که خود فراتر از برجام است، حذف نخواهد کرد. این مقام افزود: «این موضع تغییر نمی‌کند، به ویژه با توجه به تهدیدهای مداوم علیه آمریکایی‌ها» به گفته این مقام آمریکایی، دولت بایدن در داخل با مقاومت سیاسی دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه مواجه است تا سپاه را از لیست حذف نکند. به دلیل همه این عوامل، «دولت بایدن در این مرحله بسیار بعید است که سپاه را در چارچوب مذاکرات برجام از لیست حذف کند». بن بست، احیای توافق هسته‌ای ایران را که تنها چند ماه پیش قریب‌الوقوع تلقی می‌شد، به چشم‌اندازی دور تبدیل کرده است. واشنگتن در ابتدا پیشنهاد کرد سپاه پاسداران را از فهرست خارج کند در ازای اینکه ایران متعهد شود از هدف قرار دادن آمریکایی‌ها در منطقه خودداری کند و از انتقام‌جویی علیه مقامات سابق آمریکایی که مسئول تصمیم‌هایی مانند ترور سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس تلقی می‌شوند، اجتناب کند.

◀ مسیری که دولت در زمینه اقتصادی در پیش گرفته چه چشم اندازی را پیش روی کشور در سال ۱۴۰۱ قرار می‌دهد؟

در سه دهه اخیر افت چشمگیری در کیفیت نظام قاعده‌گذاری‌هایی ما پدیدار شده است. برای کمک به برطرف کردن این نقیصه، یکی از جمع‌بندی‌های ما این است که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور تا حدود زیادی به خاطر نقص در کیفیت چه از نظر دانش و چه از نظر تجربه، به سهولت به تسخیر گروه‌های غیرمولد در می‌آید و این گروه‌ها به اعتبار توانایی‌ها و برخورداری‌های غیرمتعارف خود می‌توانند تعیین کنند که چه مسأله‌ای مطرح بشود یا نشود. کاری که ما در این زمینه می‌توانیم انجام دهیم این است که با عمده کردن مسائل حیاتی و به حاشیه راندن مسائل معطوف به منافع گروه‌های غیرمولد در رأس هرم، ذهن نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور را بر روی اولویت‌های معطوف به توسعه ملی متمرکز کنیم. از یک طرف در سال ۱۴۰۱ دولت موظف است که لایحه برنامه میان مدت هفتم را به تصویب برساند سپس در اختیار مجلس قرار دهد و از طرف دیگر شاهد سطوحی از گشایش‌ها هستیم که موجب شده افق‌های جدیدی از نظر دسترسی به منابع ارزی و اندکی تسهیل در مبادله‌های بین‌المللی، فراروی نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور قرار بگیرد. اگر قرار باشد که چرخ‌ها به فاعده سه دهه گذشته در نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور جریان داشته باشد، چشم‌اندازهای معطوف به مقهور شدن بیشتر مولدها و تبدیل شدن غیرمولدها به موتورهای اصلی خلق ارزش، گسترش و تعمیق انواع نابرابری‌ها را شاهد باشیم. واقعیت این است که شکننده‌گی‌های جامعه ما در شرایط کنونی به هیچ وجه قابل مقایسه با وضعیت این جامعه در سال‌های اولیه پس از جنگ نیست و به این ترتیب با جرئیات می‌توان نشان داد که هزینه فرصت خطاکاری و رانت محوری فساد‌گستری در حال افزایش است. اگر بخواهیم از جنبه اندیشه‌ای یک افقی را به روی نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور باز کنیم این است که غیرمولدها توانسته‌اند از طریق مافیای رسانه‌ای تحت اختیار خود، علاوه بر اینکه مسائل حیاتی کشور را به حاشیه برانند، از بسیاری از امور قبیح هم قباحت‌زدایی کرده‌اند.

◀ از چه امور قبیحی قباحت‌زدایی صورت گرفته است؟

سرچشمه این امور در ساختار اقتصاد سیاسی ایران، رانت محوری خام فروشانه نفت محور است. ما در زمینه حساسیت به این مساله طی ۳ دهه گذشته یک روند نزولی را در مصوبه‌های قوه مجریه می‌بینیم. بنابراین واکاوی این مساله به عنوان یک نقطه حیاتی می‌تواند کمک کار نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور باشد. اسناد برنامه‌های توسعه کشورمان نیز این سهل‌انگاری‌ها و بی‌تدبیری‌ها را نشان می‌دهد. هم در اساسنامه سازمان برنامه و بودجه و هم در قانون برنامه اول هفت ساله کشور تصریح شده بود که عایدی نفت یک ثروت بین نسلی است و متابعی که از محل این ثروت نسلی در اختیار نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور قرار می‌گیرد حکم وام به دستگاه‌های اجرایی دارد، بنابراین این وام باید برگردد و صرف امور بین نسلی شود یا به شرحی که در کشورهای پیشرو مانند نروژ و کانادا و... شاهد هستیم برای نسل‌های آتی ذخیره شود. با این وجود ما شاهد این هستیم که از نقطه عطف نخستین شوک نفتی این ضابطه محوری به کلی کنار گذاشته شده است. زمانی که این ضابطه محوری کنار گذاشته شد هنوز سطوحی از فهم قباحت عدول از این مسأله وجود داشت، بنابراین حداقل در حد قانون و مقررات مصوب حداکثر تلاش این بود که بخش اعظم این منابع صرف زیرساخت‌های معطوف به فعال شدن و انباشت سرمایه‌های انسانی و فیزیکی باشد.

> **سیاست‌های ظاهرسازانه روی اندازه رشد تمرکز می‌کند، بحث درباره کیفیت رشد را به حاشیه می‌رانند و نسبت به قفرزایی سیاست‌ها حساسیت‌زدایی می‌کنند. آیا اینکه جمعیت حاشیه‌نشین کشور در حال عبور از مرز یک چهارم کل جمعیت است نباید شما را حساس کند؟ اینکه نهاد پژوهشی تامین اجتماعی به صراحت گزارش منتشر می‌کند و می‌گوید در سه ساله منتهی به پایان اولین بار در تاریخ اقتصادی پنجاه ساله اخیر ایران، تعداد فقرای ایران افزایش پیدا کرده نباید یک هوشمندی با سنه و مناسبی را در تصمیم گیران ایجاد کند؟**

با کمال تاسف هرقدر که به امروز نزدیک‌تر می‌شویم قباحت آنکای مطلق به خام فروشی دائما بیشتر و بیشتر ریخته می‌شود. از طرفی چون یک گروه‌های ذی‌نفعی هم در این زمینه شکل گرفته، برای اینکه قباحت این مساله در ذهن نظام سیاستگذاری کشور عذاب وجدان ایجاد نکند به دستکاری بخشی از واقعیت‌های غیرمتعارف روی آوردند. در تجربه شوک دوم نفتی که از سال ۱۳۵۸ رخ داد هیچ یک از عوارض نفرین منابع و بیماری هلندی در اقتصاد ایران ظاهر نشده است. این اتفاق به این دلیل رخ داد که نظام تصمیم‌گیری‌های اساسی کشور در ابتدای انقلاب با غلبه محوری و برنامه محوری خارق‌العاده آیت‌ا... شهید دکتر بهشتی، استاد فقید میرمصطفی عالی‌نسب، شهید رجایی و بعدا نخست وزیروقت با این قضیه برخورد شد. یکی از افتخارآمیزترین مصوبه‌های شورای انقلاب برای پیروزی این بود که در حالی که در قله رونق اقتصادی دوره پهلوی یعنی سال ۱۳۵۶ با پیش از آغاز اعتصاب سراسری در صنعت نفت ایران که اقتصاد ایران با صدور روزانه چهار میلیون بشکه نفت خام اداره می‌شد، با تصویب شورای انقلاب میزان تولید نفت خام برای اداره نظام ملی از ۱۳۵۸ به هشتصد هزار بشکه در روز کاهش پیدا کرد. متاسفانه اعتیاد به رانت و خام‌فروشی در حال خفه کردن نظام اقتصادی ماست. جای چنین بحث سترگی در سند برنامه میان مدت هفتم است و با نهایت خضوع همه دلسوزان کشور را دعوت می‌کنم که برای زمینه‌سازی بازنگری در مساله خام‌فروشی نفت محور همکاری کنند. عبور از خام فروشی نفت محور به معنای پشت کردن به منافع دلال‌ها و واردات‌چی‌ها است. بنابراین یک اراده جدی و یک بلوغ سطح بالا در ساختار قدرت همانند اراده اعضای شورای عالی انقلاب در سال‌های ۵۷ و ۵۸ باید وجود داشته باشد. هم اکنون شیوه‌های وجود نفت به نظام ملی کشور، چه از نظر ریالی و چه از نظر ارزی به گونه‌ای است که فقط افراد خرفه‌ای می‌توانند فریب نخورند.

◀ آیا کشور در شرایطی قرار دارد که چنین تصمیماتی گرفته شود؟

آنهایی که به رانت وصل هستند شعار محوری‌شان برای اداره جامعه تفرقه‌اندازی است و به کشمکش‌های قومی، نژادی و زبانی دامن می‌زنند که از دل آن توجیهاتی برای سیطره در بازارهای اقتصاد پدیدار می‌شود. مهلک‌ترین اثر مناسبات رانتی، اثر نوسازی ظاهری است. یعنی همه چیز را برخورد شکلی و بی‌اعتنایی به کارکردها منتزل می‌کنند

آنهایی که به رانت وصل هستند شعار محوری‌شان برای اداره جامعه تفرقه‌اندازی است و به کشمکش‌های قومی، نژادی و زبانی دامن می‌زنند که از دل آن توجیهاتی برای سیطره در بازارهای اقتصاد پدیدار می‌شود. مهلک‌ترین اثر مناسبات رانتی، اثر نوسازی ظاهری است. من می‌خواهم هشدار بدهم که این رویکرد صوری و ظاهرگرایانه و اینکه اسم دانایی محوری را به محملی برای توزیع رانت تبدیل می‌کنند، بیشتر از همه جا ممکن است در عرضه نفت بروز پیدا کند. مناسبات رانت محور خام فروشی متکی به نفت، از طریق سه ساز و کار روی دولت تاثیر می‌گذارد. متاسفانه در کشور ما وجوه غیرمستقیم آن از طریق مافیای رسانه‌ای خیلی سنگین‌تر است. من از نهادهای نظارتی می‌خواهم یک بازنگری بنیادی روی طرز کار رسانه ها مبذول کنند. وابستگی به منابع طبیعی روی دولت‌ها از طریق سقوط پاسخگویی اثرگذار خواهد بود. چرا آن کسی که حرف‌های عجیبی راجع به اشتغال‌زایی می‌زند و آن فردی که حرف‌های عجیب‌تری راجع به افزایش آنکا به صدور نفت می‌زنند مورد پرسش قرار نمی‌گیرند؟ قباحت عدم پاسخگویی هم به اندازه‌ای ریخته شده که برخی از مقام‌های مسئول در حیطه‌های کلیدی می‌گویند ما با خارجی‌ها قرارداد بستیم و صلاح نمی‌دانیم درباره آن حرفی بزنیم.

◀ سیاست‌های ظاهرسازانه بیشتر در چه بخش‌هایی نمود دارد؟

سیاست‌های ظاهرسازانه روی اندازه رشد تمرکز می‌کند. بحث درباره کیفیت رشد را به حاشیه می‌رانند و نسبت به قفرزایی سیاست‌ها حساسیت‌زدایی می‌کنند. آیا اینکه جمعیت حاشیه‌نشین کشور در حال عبور از مرز یک چهارم کل جمعیت است نباید شما را حساس کند؟ اینکه نهاد پژوهشی تامین اجتماعی به صراحت گزارش منتشر می‌کند و می‌گوید در سه ساله منتهی به پایان دهه ۹۰ برای اولین بار در تاریخ اقتصادی پنجاه ساله اخیر ایران، تعداد فقرای ایران افزایش پیدا کرده نباید یک هوشمندی با سنه و مناسبی را در تصمیم گیران ایجاد کند؟ اگر می‌خواهید برنامه‌ای برای خروج از این تله فسادهای ضد توسعه‌ای تدارک ببینید باید صورت هزینه‌ای که این نظام رانتی برای کشور می‌سازد را با مسئولان در میان بگذارید، سطح دانایی‌های مردم و ذی‌نفعان را هم بالا ببرید و فریب‌های رانت جویان را هم افشا بکنید. اگر خواستید در برنامه میان مدت خود برنامه‌ای تولید محوری دارای محوری در دستور کار قرار دهید روی آسیب ناشی از مناسبات رانتی حساسیت ایجاد کنید. عارضه اول این است که رشد اقتصادی کند، نوسانی و بی کیفیت می‌شود، سپس شاخص‌های اجتماعی نزول می‌کند. تحت عنوان امور رفاه اجتماعی در بودجه ایران منابع قابل اعتنایی تخصیص پیدا می‌کند ولی این منابع می‌تواند به صورتی برای حساسیت‌زدایی از نظام تصمیم گیری اساسی کشور به کار گرفته شود. در ظاهر سهم امور رفاه اجتماعی از بودجه عمومی در ایران بالای ۳۰ درصد است اما توجه داشته باشید که یک چیزی حدود ۷۵ درصد منابعی که تحت این عنوان تخصیص پیدا می‌کند در اختیار صندوق‌های دارای مشکل قرار می‌گیرد و طبق تلخ ماجرا در این است که کل جمعیت این صندوق‌های ورشکسته چیزی حدود ۸ درصد جمعیت کشور را پوشش می‌دهد. عارضه بعدی، فساد بالاتر از میانگین جهانی فساد است. البته در دوره احمدی‌نژاد یک سقوط وحشتناکی به سمت پایین‌ترین قسمت‌های ربع چهارم فساد‌ترین کشورهای دنیا را هم تجربه کردیم و علائم نگران کننده‌ای در بازگشت به این مناسبات در اواخر دولت روحانی هم مشاهده می‌شود.

◀ چه علائمی در این زمینه مشاهده می‌شود؟

گسترش و تعمیق فرهنگ کیفیت ضعیف، آسیب‌های محیط زیستی و پرانرژ، سطوح بالای فقر، نابرابری و بیکاری، موانع پرشمار در برابر ارتقای کیفیت بنیه تولیدی و... از جمله عوارض یاد شده هستند. بنابراین اگر کسی در این کشور ادعا کرد که من سهم نفت را در اقتصاد خاص دادم باید با این شاقول‌ها، داده‌هایش را سنجید. ما با یک مناسبات پنهان کارانه‌ای روبه‌رو هستیم. از همه دانایان کشور دعوت می‌کنم که این سندی که تحت عنوان طرح دانش بنیان کردن صنعت نفت ایران منتشر شده را مطالعه کنند. گفته‌اند هدف ما این است که تولید نفت خام را از هفت میلیون بشکه در روز هم فراتر ببریم یعنی با همه آن عوارض و آسیب‌های خام‌فروشی کارمحور و نفت محور بر سر کشور آورده به نام دانایی محوری می‌خواهند خام فروشی را تعمیق کند. نکته بزرگ این است که همه آنها می‌دانند که طی سی ساله گذشته همه ورزای نفت تعهدی بسیار کمتر از این را در ایجاد ظرفیت تولید نفت خام داده بودند و منفق نشدند. طنز تلخ این است که این افراد نخواهند آنکا داشته باشند اما به این منابع ارزی و ریالی عظیمی بین افرادی توزیع خواهد شد. ما در اداره صنعت نفت و در برابر ساله منتهی به پایان دهه ۹۰ برای اولین بار در تاریخ اقتصادی بخش انرژی کشور یک فراخوان ملی را در دستور کار قرار بدهیم.

> **رسانه‌ملی در امر آگاه‌کردن مردم به آثار تخریبی ویروس ویرانگر بیماری کرونا به پخش چندآگهی هشدار دهنده و چند خبر اکتفا می‌کند در صورتی که می‌بینیم و می‌شنویم این رسانه برای تبلیغات و توجیهات جناح هم‌سوسنگ تمام می‌گذارد و به طور مرتب کارشناسان این جناح‌ها در رادیو و تلویزیون حضور دارند.**

◀ در راستای بهبود شرایط فعلی در صدا و سیما چه باید کرد؟

برای بهبود وضعیت رسانه‌ملی باید به خواسته‌های عمومی مردم توجه کنند. این حرف کلی یعنی چه؟ یعنی وقتی مردم به یک برنامه مثل برنامه ورزشی نود علاقه‌مندند، آن را یک دفعه حذف نکنند و به نظر علاقه‌مندان فراوان آن توجه کنند. اگر فردی که تصمیم گیر حذف این برنامه بود از عادل فردوسی بپرسد خوشش نمی‌آمده، خوشش نیاید، مردم که خوششان می‌آید. یا اینکه اگر روسای این سازمان یا دکتر ظریف بد هستند و او را در جبهه فکری مخالف خود می‌دانند، نباید سریال گاندو بسازند که یک وزیر خارجه و همکاران او را در زمان پیگیری مطالبات بین‌المللی مردم ایران، تضعیف و تخریب کنند. با وقتی عام مردم از رثبای مرحوم شجریان هنگام افطار ماه مبارک رمضان لذت می‌بردند، باید آن را بخشی کنند. با بخش این دعای بسیار دلنشین، نه تنها دنیا زیر و رو نمی‌شد، بلکه مخاطبان رسانه‌ملی ریزش پیدا نمی‌کردند. از این مثال‌ها در این رابطه فراوان است. حتی سخنرانی‌هایی که یک نفر متکلم وحده است، چه مذهبی، چه سیاسی، چه اجتماعی و انواع دیگر باید از رادیو پخش شود. با لااقل همه اینها را در یک شبکه متمرکز کنید تا علاقه‌مندانشان آن شبکه را ببینند. شما شبکه قرآن دارید، شبکه معارف دارید. بنده به عنوان کسی که بیش از چهل سال است که کار رسانه‌ای می‌کند، شهادت خواهم داد که بخشی از بی‌توجهی جوانان به موضوعات فرهنگی، نشأت گرفته از افراط کاری‌هاست. اگر به دنبال علل کاهش مخاطبانتان هستید، یک کارزار نظرسنجی کاملا آزادانه زیر نظر متخصصان دلسوز و آزاد اندیش راه اندازی کنید تا معلوم شود شما در منظومه فکری نسل جوان و حتی میانسالان، در چه نقطه‌ای ایستاده‌اید؟

◀ در راستای بهبود وضعیت صدا و سیما چه باید بکند؟

باید رسانه‌ملی را از تک صدایی به در آورد و در اختیار افکار عمومی و نمایندگان واقعی آن قرار داد. تک صدایی و ترویج افکار یک گروه، به خصوص منتقدان دلسوز، آفت بزرگی است. سمی کشنده‌تر از تک صدایی نداریم که اعتماد عموم را نسبت به رسانه‌ملی سلب کند. فکر نکنید اگر تعداد زیادی از افراد خانواده پای تلویزیون نشستند و یک سریال را دیدند، این یعنی اعتماد مردم به صدا و سیما بالا است. رسانه‌ملی می‌تواند از اندیشمندان علاقه‌مند به ملک و ملت بیشترین استفاده را بکند تا سطح علمی و محتوای برنامه‌ها بالا برود و صدا و سیما از این وضع رهایی پیدا کند.

جستار

استیضاح وزرا واقعیت یا بلوف سیاسی؟

روایت روابط چندماهه دولت و مجلس

از همان ماه‌های اولیه که دولت رئیسی روی کار آمد، حرف و حدیث‌ها و انتقادآتی از برخی وزرای او بلند شد. تا جایی که گاهی نمایندگان از استیضاح وزرا سخن گفتند و برخی دیگر رئیسی را تهدید کردند که اگر تغییری در دولت ایجاد نکند، مجلس وارد عمل می‌شود. «منتظریم ببینیم وزیر صمت، پایان اردیبهشت و پس از پایان زمان مصوبه قبلی سران قوا چه خواهد کرد. بنده به وزیر صمت اعلام کردم‌اگر که اگر پایان اردیبهشت، واردات انجام نشود، به طور قطع به صورت جدی روی استیضاح او کار خواهم کرد و این موضوع را به سرانجام می‌رسانم.»، «چون ابتدای دولت است، دولت باید پاسخ خیلی زیادی به نمایندگان و مردم در خصوص عملکرد خود بدهد، نظر من این است که خود دولت تغییراتی را ایجاد کند و به سمتی نرود که مجلس ورود پیدا کند؛ ولی مسلماً اگر دولت خودش تغییری ایجاد نکند به نظر می‌رسد مجلس باید سریع دست به کار شود و استیضاح را دنبال کند. الان مو فکر می‌کنم که ۶ - ۵ نفر از وزرا استیضاح‌شان مطرح است و استیضاح برای ۲ نفر جدی‌تر از سایر وزرا است، یکی بحث وزارت صمت و دیگری وزارت کار.»، «تورم در سال ۱۴۰۱ نگران کننده خواهد بود و احتمال استیضاح ۲ وزیر صمت و اقتصاد از سوی نمایندگان مجلس زیاد است.» این جملات بخشی از هشدارهایی است که در روزهای اخیر از زبان برخی نمایندگان مجلس خطاب به دولت مطرح شده است.

◀ واکنش دولت به استیضاح وزرا

اما، از سوی دیگر و در میان هشدارهای بهارستان‌نشین‌ها، علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت در واکنش به استیضاح وزرا گفت: برخی نمایندگان به صورت فردی مسائلی را مطرح می‌کنند، اما هیچ استیضاحی در صحن مجلس شورای اسلامی وجود ندارد. اما وقتی نماینده‌ای نظر شخصی خود را بیان می‌کند این شایعه دامن زده می‌شود که تغییری در حال انجام است اما دولت و مجلس تغییری در دستور کار ندارند. پیش از این هم، سید محمد حسینی، معاون پارلمانی رئیس جمهور، در گفت‌وگویی با فارس، با اشاره به احتمال تغییر کابینه گفته بود: تلاش گروهی بر این است که دولت را ناکارآمد جلوه دهند لذا اسامی متعددی را مطرح می‌کنند و گاهی سخاوتمندانه! لیست خود را تا ۱۰ تغییر در دولت افزایش می‌دهند که اصل تغییر، مسلم تلقی شود با استیضاح و عزل وزرا توسط نمایندگان مجلس را مطرح می‌کنند در حالی که تاکنون هیچ استیضاحی، توسط هیات رئیسه مجلس اعلام وصول نشده است و دولتمردان بی‌وقفه مشغول تلاش برای بهبود اوضاع هستند و به این حدس و گمان‌ها و خبرسازی‌ها توجه نمی‌کنند.

◀ وزرا استیضاح می‌شوند؟

با این حال، هشدارها و اصرار نمایندگان مجلس برای استیضاح حداقل ۲ یا ۳ وزیر و همچنین رد این موضوع از سوی دولت این سوال را ایجاد می‌کند که روایت چه کسی درست‌تر است؟ آیا وزرا استیضاح می‌شوند یا... ؟ غلامرضا نوری قزلجه، نماینده مردم بستان آباد در مجلس با اشاره به احتمال استیضاح وزرا اظهار داشت: دولت راست می‌گوید و همچنین موضوعی نمی‌تواند مطرح باشد. برای آنکه برای دولتی که ۲۳۰ نفر نامه امضا کرده و خواستار آن شدند که آقای رئیسی رئیس‌جمهور شود؛ همچنین بالاترین میزان رای را به وزرا داده‌اند استیضاح معنایی ندارد و اتفاق نخواهد افتاد. سخنگوی دولت درست می‌گوید. او همچنین با اشاره به هشدار نمایندگان درباره استیضاح وزرا گفت: استیضاحی اتفاق نمی‌افتاد. این نماینده با اشاره به احتمال لابی کردن نمایندگان و دولت برای عدم استیضاح وزرا نیز گفت: نیازی به این کارها نیست. همراهی مجلس با دولت انقدر بالاست که نیازبه مراودات نیست. عباس مقتدایی، نماینده مردم اصفهان نیز درباره احتمال استیضاح وزرا و واکنش دولت به این موضوع بیان کرد: استیضاح حق نمایندگان مجلس است و هرجا که لازم باشد، از حق‌شان استفاده می‌کنند. کلیت مجلس در این روزها، کلیت بهره گیری از ابزار استیضاح نیست. ممکن است برخی از نمایندگان در مقاطعی چنین حرفی را بزنند، اما کلیت مجلس این است که مدت زمان زیادی از کار دولت نگذشته و رای اعتماد وزرا به قوت خودش باقی است. بنابراین، موضوع استیضاح‌ها در مجلس جدی نیست.

دریچه

چرا کارگاه سانتریفوژها به زیر زمین منتقل شد؟

«در طول چند سال اخیر و در سایه عدم حساسیت و کم‌توجهی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به وظایف صیانت خود برخی اقدامات شوراناه که رژیم صهیونیستی به صورت تلویحی مسئولیت آن را پذیرفت، موجب وارد شدن خسارت‌هایی به تاسیسات هسته‌ای کشورمان شد». نورنیوز رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی با این مقدمه، در ادامه نوشت: رافائل گروسی - مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - در گفت‌وگو با خبرنگاران اعلام کرده که ایران کارگاه جدید خود برای ساخت قطعات سانتریفیوژ را در یکی از سالن‌های زیرزمینی کارخانه غنی‌سازی سوخت در تأسیسات نطنز، راه‌اندازی کرده است. نورنیوز پیش‌تر با انتشار خبری تحت عنوان «گام بلند سازمان انرژی اتمی در حفاظت از تاسیسات هسته‌ای» موضوع انتقال کارگاه تولید سانتریفیوژها به نطنز را اعلام کرده بود. بهروز کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی نیز قبلا اعلام کرده بود که به دلیل عملیات تروریستی که علیه مجتمع نسلای کرج صورت گرفت مجبور به تشدید تدابیر امنیتی شدیم و بخش مهمی از ماشین‌های تولید قطعات سانتریفیوژ را به مکان امن‌تری جابه‌جا کردیم. در طول چند سال اخیر و در سایه عدم حساسیت و کم‌توجهی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به ضرورت ایفای نقش مسئولانه در حوزه صیانت از فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز کشورها، برخی اقدامات شوراناه که رژیم صهیونیستی به صورت تلویحی مسئولیت آن را پذیرفت، موجب وارد شدن خسارت‌هایی به تاسیسات هسته‌ای کشورمان شد. اقدام سازمان انرژی اتمی کشورمان در زمینه افزایش ضریب حفاظتی کارگاه‌های تولید سانتریفیوژ که با استفاده از اصول پدافند غیرعامل صورت گرفته در شرایطی دنبال شده است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به انجام وظایف خود کوتاهی کرده است. اتخاذ این رویکرد که با اطلاع آژانس انجام شده باسخی طبیعی در برابر شرارت‌هایی است که هدف آن ضربه زدن به فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران است.

مصطفی ایزدی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

وضع صداوسیما؛ -هم ریزش مخاطب، هم حذف برنامه‌های پرطرفدار

◀ اعتماد مردم به رسانه‌ملی کاهش پیدا کرده است

◀ چرا برنامه‌های پرطرفدار حذف می‌شود؟

آرمان ملی - علیرضا پورحسین: رسانه هر کشور همواره در فرهنگ سازی و پیشبرد منافع ملی یک کشور می‌تواند نقشی تعیین کننده داشته و امورات را هم برای مردم و هم برای مسئولان تسهیل کند. امری که مشخصا در سال‌های اخیر به خوبی از سوی صدا و سیما به انجام نرسیده است. اتفاقی که با توجه به اظهارنظرهای مسئولان این مجموعه در روزهای اخیر به نظر نمی‌رسد قابل حل باشد. در راستای بررسی این مسائل «آرمان ملی» گفت‌وگویی با مصطفی ایزدی فعال فرهنگی و کارشناس رسانه داشته است که در ادامه می‌خوانید.

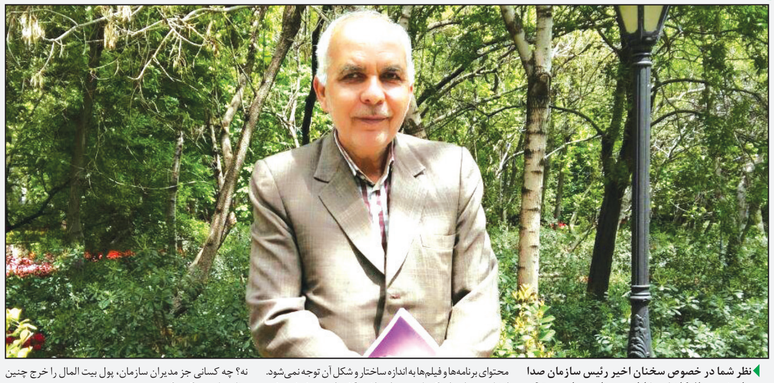

◀ نظر شما در خصوص سخنان اخیر رئیس سازمان صدا و سیما مبنی بر علل کاهش مخاطبین صدا و سیما چیست؟

آقای دکتر جبلی به درستی عنوان کرده که مخاطبین تلویزیون کم شده است. البته تاکنون هیچ یک از مدیران سابق سازمان صدا و سیما همین مسأله‌ای را عنوان نکرده‌اند. در یکی دو دهه اخیر بارها از طرف افراد دلسوز و رسانه‌های منتقد به این آقایان گوشزد می‌شد که رسانه‌ملی به دلیل اینکه رسانه گروهی خاص شده جایگاه خود را در میان مردم از دست می‌دهد اما هیچ کس گوشش بدهکار نبود. البته این رئیس جدید هم سعی کرده اشکال را در مدیران صدا و سیما نبینید و توپ را به میدان هنرمندان و سازندگان فیلم‌ها و سریال‌ها بیندازد. مقوله‌ای که پیمان جبلی گفته به این مضمون است که چون به محتوای برنامه